

نامه سرگشاده به رفیق اشرف دهقانی

آیا اتهام زدن یکی از پرنسپ های کمونیست های فدایی ست؟ یا ضد آن؟

http://neweshtejat.blogspot.com/2014/10/blog-post_29.html

با درود بیکران به رفیق اشرف دهقانی، کمونیست فدایی که با مبارزه، مقاومت و سازش ناپذیری خود با دشمنان خلق، در زیر سخت ترین شرایط روحی بر اثر شکنجه های قرون وسطائی ساواک شاه سگ زنجیری امپریالیسم، ثابت کرد که به راستی از تبار عاشقان خلق است و بس و تکیه اش بر شانه های خلق است و نه بر نردبان امپریالیستها و سگ های زنجیری آنها! کمونیست فدایی یی سازش ناپذیری که شد الگوی مبارزاتی خیل عظیم مبارزین راه رهایی از ظلم و ستم امپریالیسم و رژیم های وابسته به آن.

رفیق ارزشمند، در میان بیداد هر لحظه ظلم و ستم امپریالیست های درنده، در میان ددمنشی غیرقابل توصیف رژیم وابسته به آنها، رژیم سرمایه داری گرگهای شکنجه و دار و اسید در ایران که هر روز عرصه زندگی را به طبقه کارگر و زحمتکش و محرومان تنگ تر میکند، که کارگران نان را هم نسیه میخرند، رژیمی که برای ربودن گوی رقابت در حیوان صفتی همتای نو ظهورش، داعش، برای اینکه به اربابان جهانی اش ثابت کند که میتواند با قلدری به حکومت سرتا پا جنایتکارانه اش ادامه دهد و جیب های خود و اربابانش را پرتر کند، مجدد درست مانند اوایل قیام بر چهره زنان اسید پاشی میکند، ریحانه جباری، که حساب آن مزدور اطلاعاتی را کف دستش گذاشته بود، را پس از هفت سال بالای دار میبرد، و هر روز کارگران را به بند می کشد، تا با نمایش قلدری خود، بقای جنایتکارانه خود را در جهت نوکری هر بیشتر امپریالیستها به پیش برد. فقر و نداری و بیماری، اعتیاد و فحشاء از کول جوامع سرمایه داری بالا میروند، در حالیکه راکفلرهای خونخوار جهان ثروت ندارها را به غارت میبرند.

در میان این همه خشنونت سازمان یافته سرمایه داری کارگر گش، علیرغم عدم همکاری من با تشکیلات شما، اما با باور بر اینکه تشکیلات شما یکی از سالم ترین تشکیلات خارج از کشوری است، که مواضع سازنش ناپذیرانه خود را به دشمن خلق همچنان حفظ کرده، و مدام در حال افشای فریبکاری های امپریالیستها و رژیم سرمایه داری اسلامی وابسته به آنهاست، در حالیکه در حال پخش سخنرانی ارزشمند رفیق چنگیز (نقش داعش در تحولات خاورمیانه) بودم، که مجدد خبر اتهام زنی بابک آزاد، را خواندم، گویا که سطل آب یخی را روی سرم ریخته باشند.

مجدد از این جهت که چند سال پیش دوست ارجمندی این مسئله را با تاسفی قابل احترام به من گفته بود، و من نایاورانه آن روز هم مات و مبهوت از این عمل ضد فدایی بابک آزاد مانده بودم که چه بگویم! چون تا آنروز هرگز در باورم نمیگنجید که بابک چنین برخورد غیر م ل ی داشته باشد.

چند سال پیش اما، وقتی اتهام زدن او به خودم را شنیدم، به سختی از خودم انتقاد کردم که چرا آنزمان که بابک به شباهنگ راد اتهام زده بود، من واکنش نشان نداده بودم.

بهره، مدت کوتاهی از اتهام زدن بابک بهم ریخته شده بودم، و تاسفم برای بابک که به چنین شیوه ی ضد فدائی روی آورده بود، بیشتر شد، رفقای بسیار ارزشمندی برای شما و رفیق سنجرى عزیز نامه نوشتند. متأسفانه نامه های آنها بی پاسخ ماند.

مبارزه جدی طبقاتی اهمیتش برایم بیشتر از پرداختن به اتهام زنی بابک آزاد بود، البته رفقایى که مرا از نوشته هایم می شناسند به او برخورد کرده بودند که در همینجا از احساس مسئولیت آنها صمیمانه سپاسگزارم.

با خودم فکر کردم که مرور زمان شاید به بابک کمک کند که از من شناخت بیشتری پیدا کند و نیز رشد فکری بیشتری به سراغش بیاید که انتقاد یا برخورد نظری به پالایش جنبش کمک میکند. با تمام دلخوری که از رفیق ارزشمند فریبرز سنجرى داشتم، هموئى که مانند یک آموزگار مهربان، دلسوز و صدیق بارها مرا نسبت به وظایف مبارزه طبقاتی ام آگاه نموده بود، که از ایشان بسیار آموختم، و از رهنمودهای دلسوزانه ایشان بود که به عینه دریافتم که چه درست گفته بودند که زندان اوین در زمان رفقایى چون مسعود احمدزاده ها به راستی دانشگاهی بوده است، اما به پخش نوشته های بسیار ارزشمند ایشان برای آگاهی نسل جوان ادامه دادم، زیرا که نوشته های ایشان آنقدر پر بار بود و هست که کسی باید با خلق دشمنی داشته باشد که این گونه نوشته ها که سرشار از تجارب گرانهای علمی مبارزاتی است را ترویج ندهد. کودکانه پیش خود فکر کردم که بابک آزاد به اشتباه خود پی برده است اما چه حیف!

وقتی دو روز پیش نوشته رفیق شباهنگ راد(دو فرهنگ حاکم در درون چپ) را خواندم اینبار درد و تاسفم بسیارتر شد! چرا که باور کودکانه ام، بابک و پی بردن به اشتباه خود، نیز نقش بر آب شده بود!

به همین دلیل تصمیم گرفتم که برای شما نامه سرگشاده ای بنویسم! بنویسم که رفیق خلق های در بند، رفیق واقعی کارگران تحت ستم، آیا اتهام زدن از جانب کسی که خود را زیر پرچم پرافتخار چریکهای فدایی خلق قرار داده، یک عمل ضد کمونیست های فدایی است یا خیر؟

اگر هست، که مطمئن هستم و با شناختی که از آموزش های گرانبهای رفیق سنجری دارم، ایمان دارم که شما و تشکیلات شما هم با من هم نظر هستند که اتهام زدن زیر پرچم فدایی یک عمل ضد فدائی است، و شما از این اتهامات مطلع هستید چرا با آن برخورد نکرده و نمی کنید؟ چرا می گویم برخورد نداشته اید برای اینکه وقتی بابک به من اتهام زد، اگر به او برخورد شده بود مجدد عمل زشت ضد فدائی اش را، مجدد در مورد شباهنگ راد، تکرار نمی کرد، آنهم در ملاء عام، صفحه فیس بوک!

اما اگر اتهام زدن های بابک آزاد، "اتهام نیست و حقیقت دارد" تشکیلات شما وظیفه دارد که این اتهامات را برای جنبش کمونیستی و طبقه کارگر روشن سازد!

به امید آنکه از شما رفیق کارگران و زحمتکشان و محرومان پاسخی در جهت آموزش های بیشتر انقلابی در اختیار جنبش قرار گیرد.

با سپاس فراوان از احساس مسئولیت شما و خواندن سطور بالا.

و

با ارادت صادقانه، خالصانه و صمیمانه

صبا راهی

هفتم آبان 1393 / بیست و نهم 2014

انتقاد از خود: در همین جا عمیقاً مایلیم از خودم انتقاد کنم. اگر من در نحوه نوشتنم، برخوردهای نظری ام پرنسیپ های مارکسیست لنینیستی را رعایت نکرده ام، که برخی اوقات با مرور نوشته هایم متوجه این موضوع میشوم، که این امر شاید باعث خشم بابک آزاد شده باشد، در همین جا شدیداً از خود انتقاد میکنم.